

برای ارائه در نشست تخصصی مبلغان نخبه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، سه‌شنبه، ۱۶ بهمن ۱۳۹۷

محسن الویری

پیش از این در یادداشتها و سخنرانی‌هایی مانند "فهم تمدنی سیره امام رضا علیه السلام"، "ما مبلغان و مسأله تمدن نوین اسلامی" و "بینش تمدنی؛ بایستگی‌ها و چالشهای آن در ایران کنونی" که متن آنها در پایگاههای مختلف اطلاع‌رسانی در دسترس است، مطالبی ارائه شده است و مباحث امروز این نشست در حقیقت مبتنی بر و یا ادامه آنهاست. بنا بر این ضمن پرهیز از تکرار مطالب پیشین، تأکید می‌نماید توجه به آنها برای ایجاد ارتباط با این بحث ضروری است. مهمترین محورهای ارائه شده پیش از این چنین است:

۱. اهمیت سیره‌پژوهی و سیره‌نگاری در کنار دو شکل دیگر پرداختن به تاریخ زندگی ائمه معصوم علیهم السلام، یعنی: گاه‌نگاری و تراجم‌نگاری.
۲. سیر تحول سیره‌نگاری از فرد محوری به جامعه‌گرایی و قرار گرفتن در آستانه ورود به مرحله رویکرد تمدنی به عنوان مرحله‌ای نو
۳. ویژگیهای عمومی رویکرد تمدنی یا تمدن‌گرا در شناخت سیره معصومان علیهم السلام؛ مانند: جامعیت، دربردارنده همه ابعاد و انواع سیره (سیره تبلیغی، سیره علمی، سیره آموزشی، سیره سیاسی، سیره اخلاقی، سیره معاشرتی، سیره خانوادگی، ...)، کلان‌نگری، گره‌گشایی نسبت به دوگانه عدم مشروعیت حکومتها و وظیفه نقش‌آفرینی در جامعه اسلامی.
۴. مهمترین راهکارها برای تقویت بینش تمدنی: بالا بردن آگاهی تاریخی در باره فرایند گسترش اسلام و تحقق تمدن پیشین اسلامی، توجه به امتداد اجتماعی عبادات و آموزه‌های دینی، استخراج نمونه‌های کلان‌نگری در روایات و آشنا کردن مردم با آن، افزایش اطلاعات جهانی و تحلیل مسائل سیاسی روز در پرتو آن، اخلاق‌گرایی، عدم برخورد گزینشی با سخنان امام و رهبری و انس با روح دیدگاههای

آنها، تشویق همگان به ترجیح منافع امت اسلامی و منافع ملی بر منافع فردی و جناحی و پایبندی خود به آن.

با این معیارها می‌توان سیره همه معصومان علیهم السلام را مورد بازخوانی قرار داد. این معیارها ثابت است ولی مصادیق آن در سیره هر یک از معصومان علیهم السلام تفاوت می‌کند.

بر این اساس، آنچه در باره خوانش تمدنی سیره حضرت زهرا سلام الله علیها می‌توان گفت تحلیل و تطبیق معیارهای پیش‌گفته بر حیات پر برکت ایشان و رویدادهای زمانه ایشان و چگونگی مواجهه صدیقه کبری سلام الله علیها با آنهاست. این نگاه آمیخته‌ای از استخراج و برجسته ساختن موضوعات تمدنی در سخنان ایشان و یا فهم رفتار ایشان با رویکرد تمدنی است. در فهم تمدنی سیره حضرت زهرا سلام الله علیها قرار نیست که یک گزارش تاریخی جدید کشف شود و یا بخشی از گزارشهای تاریخی قبلا کشف شده کنار گذاشته شود، بلکه قرار است فهم ما از این رویدادها تغییر کند و ارتقا یابد. این فهم باید به گونه‌ای باشد که تنها جمعی محدود از موالیان ایشان یا شیعیان ایران یا شیعیان اثنی عشری یا همه فرق شیعی و یا همه مسلمانان و یا همه پیروان ادیان آسمانی و یا همه حق‌طلبان و یا همه انسانها در جهان امروز از آن بهره نبرند، بلکه باید به گونه‌ای باشد که همه انسانها حتی در آینده هم از آن بهره‌مند باشند، یعنی برجسته ساختن ابعادی از زندگی و سیره ایشان که نمی‌توان دایره کاربرد آن را محدود به زمان و مکان حیات مبارکشان دانست، بلکه پیامهای آن می‌تواند در همیشه تاریخ و همه مکانها در گسترده‌ترین سطح مناسبات انسانی کارایی داشته باشد.

اگر گفته شود همه سخنان و رفتارهای همه معصومان علیهم السلام چنین است و این امر اختصاصی به حضرت زهرا سلام الله علیها ندارد، پاسخ این است که سخن در نوع و سطح مواجهه ما با این سخنان و رفتارهاست که آیا ما واقعا به پیامها و دلالتهای جاودانه و تمدنی آنها توجه داریم و یا از آنها تنها در قلمرو محدودی بهره می‌گیریم و عملا با رفتارها و سخنان خود جلوی چشمه‌هایی که توان سیراب کردن همه بشریت را دارد سنگ‌چین کرده‌ایم تا جز خودمان کسی دیگر از آنها بهره نبرد؟ آیا از این معدن پایان‌ناپذیر برای نقش‌آفرینی در مقیاس تمدنی هم بهره می‌بریم یا سطح بهره بردن از آن را به یک مفاخره مذهبی تنزل داده‌ایم؟

دوباره و بلکه چندباره تأکید می‌کند سخن در این نیست که از یک گزارش تاریخی یا یک باور مذهبی دست کشیده شود، به هیچ وجه اینطور نیست، نگاه تمدنی هیچ منافاتی با باورهای هویت‌بخش شیعی ندارد، بلکه سخن در باره سطح برداشت از زندگی و سیره زهرای مرضیه سلام الله علیهاست. آورده‌های آن چه امروزه در مجالس مربوط به حضرت زهرا سلام الله علیها می‌گذرد چقدر است؟ آیا اینها همه آن چیزی است که می‌توان از سیره این صاحب سر مستودع الهی برداشت کرد؟ آیا با این سطح از مطالب می‌توان با اسم حضرت زهرا سلام الله علیها نقش تمدنی برای همه جهانیان داشت؟ آیا این سطح مطالب پیامی برای همه بشر امروز دارد؟ یا می‌تواند گره از مشکلات همه مسلمانان باز کند؟ یا پاسخگوی همه نیازهای فکری شیعیان با تنوع مذهبی زیدی و اسماعیلی و بهره‌ای در برابر غیر شیعیان باشد؟ یا سامان‌دهنده نظام فکری و رفتاری امامیه باشد؟ و یا این که تنها تسکین‌دهنده درد و رنج محبان آن حضرت است؟

نمونه‌هایی از سخنان و یا رفتار حضرت زهرا سلام الله علیها که دارای دلالت تمدنی است چنین است:

الف. تبیین جایگاه قرآن به عنوان کتاب مشترک هدایت همه انسانها

حضرت زهرا سلام الله علیها در بخشی از خطبه لّمه که نزد ما بیشتر به خطبه فدکیه شناخته می‌شود، در باره قرآن چنین گفته‌اند:

أَنْتُمْ ... زَعِيمٌ حَقٌّ لَهُ فِيكُمْ، وَ عَهْدٌ قَدَمَهُ إِلَيْكُمْ، وَ بَقِيَةٌ اسْتَخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ: كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَ الْقُرْآنُ الصَّادِقُ، وَ النُّورُ السَّاطِعُ وَ الضِّيَاءُ اللَّامِعُ، بَيْنَهُ بَصَائِرُهُ، مُنْكَشِفَةٌ سَرَائِرَهُ، مُنْجِلِيَةٌ ظَوَاهِرَهُ، مُعْتَبِطَةٌ بِهِ أَشْيَاعُهُ، قَائِدًا إِلَى الرِّضْوَانِ اتِّبَاعُهُ، مُؤَدِّ إِلَى النِّجَاةِ اسْتِمَاعُهُ، بِهِ تُنَالُ حُجُجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةِ، وَ عَزَائِمُهُ الْمَفْسَّرَةِ، وَ مَحَارِمُهُ الْمَحْذَرَةَ، وَ بَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ، وَ بَرَاهِينُهُ الْكَافِيَةُ، وَ فَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ، وَ رُخْصَتُهُ الْمَوْهُوبَةُ، وَ شَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ .

این نگاه به قرآن و ویژگیها و کارکردهای آن یک نگاه یکسره تمدنی است، با این نگاه به قرآن می‌توان این کتاب جاودان را در جایگاه بلند معنی‌بخشی به یک تمدن قرار داد. به راستی جای این نگاه به قرآن در مجالس فاطمی کجاست؟

ب. تبیین جایگاه پیامبر به عنوان هدایتگر مشترک همه مسلمانان

در بخش دیگری از همین خطبه، در وصف پیامبر چنین آمده است:

وَ أَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، اخْتَارَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ، وَ سَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ اجْتَبَاهُ، وَ اصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ ابْتَعَثَهُ، اِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةٌ، وَ بَسْتَرِ الْأَهْوِيلِ مَصُونَةٌ، وَ بِنَهَايَةِ الْعَدَمِ مَقْرُونَةٌ، عَلِمًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَائِلِ الْأُمُورِ، وَ احِاطَةً بِحَوَادِثِ الدُّهُورِ، وَ مَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْأُمُورِ. ابْتَعَثَهُ اللَّهُ اِتِّمَامًا لِأَمْرِهِ، وَ عَزِيمَةً عَلَى امْتِصَاءِ حُكْمِهِ، وَ اِنْفَاذًا لِمَقَادِيرِ رَحْمَتِهِ، فَرَأَى الْأُمَّمَ فِرْقًا فِي أَدْيَانِهَا، عُكْفًا عَلَى نِيرَانِهَا، عَابِدَةً لِأَوْثَانِهَا، مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِرْفَانِهَا. فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ طَلْمَهَا، وَ كَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهْمَهَا، وَ جَلَّى عَنِ الْأَبْصَارِ غُمَّهَا، وَ قَامَ فِي النَّاسِ بِالْهِدَايَةِ، فَأَنْقَذَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ، وَ بَصَّرَهُمْ مِنَ الْعِمَايَةِ، وَ هَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ، وَ دَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ.

و یا در دعای ۲۰ الصحیفه الفاطمیه که مرحوم آیت الله سید محمد باقر موحد ابطحی آن را گردآوری و تدوین کرده‌اند و اتفاقاً امروز ۱۶ بهمن سالروز رحلت ایشان هم هست، حضرت حدود سی سطر در صفحات ۳۶ و ۳۷ و در چندین جای دیگر در قالب دعا و ویژگیهایی برای پیامبر بر شمرده‌اند و یا جایگاهی برای ایشان در نظر گرفته‌اند که اغلب از نگاه ما پنهان مانده است. این نگاه را هم می‌توان یک نگاه تمدنی دانست، زیرا پیامی روشن برای گسترده‌ترین سطح مناسبات انسانی در زیست این جهانی انسان دارد.

ج. قلمرو نقش آفرینی امت اسلامی

تحلیل حضرت زهرا سلام الله علیها در باره امت اسلامی نیز مبتنی بر یک نگاه تمدنی است. به عنوان نمونه در بخشی دیگر از خطبه لَمَّه چنین می‌خوانیم:

أَنْتُمْ عِبَادَ اللَّهِ نُصِبَ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ، وَ حَمَلَهُ دِينَهُ وَ وَحْيِهِ، وَ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَ بَلَاغَاؤُهُ إِلَى الْأُمَّمِ

این نگاه به امت اسلامی و ویژگیها و نقشهای محول آن که از جمله آنها رساندن پیام اسلام به دیگر امتهاست و به آشکارا امت اسلامی در یک مقیاس تمدنی مورد توجه قرار می‌دهد، در کدام مجلس و عظ و خطابه و روضه ما بازتاب دارد؟

د. توجه به پیامبران پیشین

یکی دیگر از آموزه‌های تمدنی در سخنان حضرت زهراى مرضیه سلام الله توجه به پیامبران پیشین و کتاب مقدس آنهاست. به عنوان نمونه در دعای ششم (ص ۲۵)، دوازدهم (ص ۲۹) و بیستم (ص ۴۰) الصحیفه الفاطمیه الجامعه از تورات و انجیل نام برده شده است و در دعاهاى ششم (ص ۲۴)، هفتم (صص ۲۷ - ۲۸)، دعای چهاردهم (ص ۳۱) و دعای سی و پنجم (ص ۵۶) از چند تن از پیامبران نام برده شده است:

أَسْأَلُكَ بِالْأَسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ {إِبْرَاهِيمُ} خَلِيلُكَ حِينَ الْقِي فِي النَّارِ ... وَ بِالْأَسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْإِيْمَنِ ... وَ بِالْأَسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ عِيسَى مِنْ رُوحِ الْقُدُسِ وَ بِالْأَسْمِ الَّذِي تُبِتَ عَلَي دَاوُدَ وَ بِالْأَسْمِ الَّذِي وَهَبْتَ بِهِ لَزَكَرِيَّا يَحْيَى وَ بِالْأَسْمِ الَّذِي كَشَفْتَ بِهِ عَن أَيُّوبَ ... (دعای هفتم، ص ۲۷)

یادکرد پیامبران پیشین و کتابهای آسمانی پیشین که در آن زمان هم پیروان زیادی در جهان داشتند، توجه دادن به سرمایه‌های مشترک بشری و در نتیجه اقدامی تمدنی است.

هـ. تبیین عقلی آموزه‌ها و احکام دینی

یکی از مهمترین و ماندگارترین بخشهای خطبه‌لّمّه تعلیل برخی آموزه‌ها و احکام دینی است:

فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيْمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ، وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيْهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ، وَ الزَّكَاةَ تَرْكِهً لِلنَّفْسِ وَ نِمَاءً فِي الرِّزْقِ، وَ الصِّيَامَ تَثْبِيْتاً لِلْإِخْلَاصِ، وَ الْحَجَّ تَشْيِيْداً لِلدِّينِ، وَ الْعَدْلَ تَنْسِيْقاً لِلْقُلُوبِ، وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَ إِمَامَتَنَا أَمَاناً لِلْفُرْقَةِ، وَ الْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ، وَ الصَّبْرَ مَعُوْنَةً عَلَي اسْتِيْجَابِ الْأَجْرِ. وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعَامَّةِ، وَ بَرَّ الْوَالِدِيْنَ وَ قِيَاةً مِنَ السَّخَطِ، وَ صِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنَسَاءً فِي الْعُمْرِ وَ مَنَمَاءً لِلْعَدَدِ، وَ الْقِصَاصَ حِقْناً لِلدِّمَاءِ، وَ الْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَعْرِيزاً لِلْمَغْفِرَةِ، وَ تَوْفِيَةَ الْمَكَائِلِ وَ الْمَوَازِيْنَ تَغْيِيْراً لِلْبَخْسِ. وَ النَّهْيَ عَن شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيْهاً عَنِ الرَّجْسِ، وَ اجْتِنَابَ الْقَذْفِ حِجَاباً عَنِ اللَّعْنَةِ، وَ تَرْكَ السَّرْقَةِ إِيْجَاباً لِلْعِصْمَةِ، وَ حَرَمَ الشِّرْكَ إِخْلَاصاً لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ. فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ، وَ لَاتَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ، وَ أَطِيعُوا اللَّهَ فِيْمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ، فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ.

جایگاه عبودیت انسانها در برابر خداوند ایجاب می‌کند که در برابر احکام الهی خضوع و تعبد و فرمانبرداری داشته باشد ولی وقتی معصومان سلام الله علیهم خود به تحلیل عقلی و توجه به مصالح اوامر و مفاسد منهیات

می‌پردازند، عملاً دریچه‌ای به سوی اجازه یافتن عقل بشری برای اظهار نظر در این موارد می‌گشایند و چنین فضایی یک فضای تمدنی است، زیرا احکام و آموزه‌های دینی را قابل فهم و استدلال در سطح بشری در گسترده‌ترین سطح مناسبات انسانی می‌کند. صاحب این قلم قبلاً در یادداشتی به تفاوت فلسفه امر به معروف و فلسفه نهی از منکر در این بخش از سخنان حضرت زهرا سلام الله علیها پرداخته است. این پرسش را باید بار دیگر مطرح کرد که برآستی جای این آموزه‌های ژرف در مجالس مربوط به حضرت زهرا سلام الله علیها کجاست؟

توجه گستره به مباحث اخلاقی و معنوی فردی و اجتماعی و نیز تبدیل تهدیدها به فرصت برای روشن نگاه داشتن چراغ حق به ویژه در چگونگی مواجهه با مصائب از دیگر مواردی است که می‌توان به وجه تمدنی آنها اشاره کرد.

روا نیست که اندیشه‌ها و زندگی و سیره حضرت زهرا سلام الله علیها که ظرفیت جامعه‌سازی و هدایت جامعه به سوی تمدن را دارد، اسیر محدودنگریهای ما بماند و امید است مبلغان فاطمی پرچمداران شناساندن این بانوی بزرگوار متناسب با تحولات تمدنی جهان امروز باشند.